



دانشگاه پیام نور

مرکز تهران جنوب

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات

گرایش علوم قرآن و حدیث

عنوان

بررسی مبانی، ویژگی ها و روشهای موعظه در قرآن

استاد راهنما

دکتر زهرا خیرالهی

استاد مشاور

دکتر اکبر توحید لو

نگارنده

بدرالسادات میرذوالفقاری

شهریور ۱۳۹۸

ب

چکیده

موعظه یکی از روشهای عام و مؤثر در تربیت اسلامی است که به شهادت آیات قرآن، پیامبران الهی به فرمان خداوند، در تبلیغ و هدایت مردم، از آن فراوان بهره برده اند. قرآن کریم بر این شیوه تأکید دارد و روشهای متناسب با فطرت را در این مورد سفارش نموده است. موعظه در سنت پیامبر رحمت (صل الله علیه وآله) و معصومین (علیهم السلام) نیز مشاهده می شود و تعبیرهایی همچون زنده شدن در مورد آن بکار رفته است. در تعریف موعظه گفته می شود سخنی که دلهای سخت را نرم می سازد و کردار زشت را نیکو گرداند. موعظه دعوت به نیکی توأم با خیر خواهی و رقت قلب است. واژه هم معنای آن «نصیحت» و «تذکر» است که به معنای پند و اندرز مشفقانه به انگیزه اصلاح و تربیت می باشد. قرآن موعظه را با حسنه همنشین کرده و به عنوان یکی از روشهای تربیت دینی بارها در موضوعات اعتقادی و مسائل اخلاقی و اعمال و آداب عبادی به کار برده است. یادآوری قرآن از نعمت های الهی و بیان حوادث تاریخی و اخبار انبیا و ملل قبل، به خاطر غفلت زدایی و رشد و تربیت دینی آمده است. در کلام الهی از خدای تعالی به عنوان ناصح و واعظ و از قرآن به عنوان موعظه و تذکره یاد شده است.

کلیدواژه: موعظه، قرآن، تذکر، تربیت، حکمت، جدال.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲	مقدمه
۴	۱-۱ بیان مساله
۶	۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق
۷	۳-۱ اهداف تحقیق
۸	۴-۱ سوالات و فرضیات تحقیق
۹	۵-۱ سابقه و پیشینه تحقیق
۱۲	۶-۱ روش تحقیق
۱۲	۷-۱ مفهوم‌شناسی
۱۲	۱-۷-۱ معنای لغوی موعظه
۱۹	۲-۷-۱ موعظه در اصطلاح مفسرین

فصل دوم: مبانی موعظه قرآنی

۲۴	۱-۲ مبانی موعظه در قرآن
۲۴	۱-۱-۲ توحید
۲۷	۲-۱-۲ فطرت
۲۹	۳-۱-۲ هدفدار بودن انسان
۳۰	۴-۱-۲ اختیار
۳۱	۵-۱-۲ معرفت‌پذیری

فصل سوم: ویژگی های موعظه قرآنی

۳۵	۱-۳ برخی از ویژگی های پند و موعظه قرآنی
۳۵	۱-۱-۳ هماهنگی با فطرت یا فرهنگ مشترک بشری
۳۶	۲-۱-۳ سازگاری با شرایط زمانی و تناسب با نیاز مخاطب
۳۷	۳-۱-۳ اصلاح رابطه انسان با خدا
۳۹	۴-۱-۳ معادباوری
۴۱	۵-۱-۳ گسترش محتوا
۴۴	۶-۱-۳ اصل تدریج
۴۵	۷-۱-۳ تقوی، تزکیه و تهذیب
۴۵	۱-۷-۱-۳ واعظ درون
۴۶	۸-۱-۳ حسن روابط خانواده
۴۸	۹-۱-۳ اصلاح روابط اجتماعی
۴۹	۱۰-۱-۳ مستدل بودن
۵۰	۱۱-۱-۳ زهد و بی رغبتی به دنیا
۵۱	۱۲-۱-۳ یادآوری نعمت خداوند و شکر گذاری
۵۳	۲-۳ موعظه‌گر
۵۳	۱-۲-۳ ویژگی‌های موعظه‌گر
۵۳	۱-۱-۲-۳ خودسازی
۵۹	۲-۱-۲-۳ اخلاص در عمل و صداقت
۵۹	۳-۱-۲-۳ سخنوری
۶۲	۴-۱-۲-۳ آگاهی و بینش (حکمت)
۶۷	۵-۱-۲-۳ تواضع و نرمش
۶۸	۶-۱-۲-۳ همدلی و هوش هیجانی
۶۹	۷-۱-۲-۳ خیرخواهی
۷۰	۸-۱-۲-۳ محبت و احترام (تکریم)

۷۱ دوری از انحراف	۹-۱-۲-۳
۷۳ استقامت و صبوری و سعه صدر	۱۰-۱-۲-۳
۷۸ عامل بودن	۱۱-۱-۲-۳
۷۹ فراهم بودن شرایط و زمینه	۱۲-۱-۲-۳
۸۱ واعظان دیگر	۱۳-۱-۲-۳
۸۲	۳-۳ موعظه‌پذیر
۸۲ ایمان به خدا و معاد	۱-۳-۳
۸۳ اندرز‌پذیری و روحیه‌پذیرش	۲-۳-۳
۸۹ تقوی و خشیت	۳-۳-۳
۹۱ هوشیاری	۴-۳-۳
۹۲ محبت به واعظ و باور به اعتبار وی	۵-۳-۳
۹۳ قلبی نرم و منعطف	۶-۳-۳
۹۴ واعظ درون	۷-۳-۳
۹۵ مشیت	۸-۳-۳
۹۶ عیوب	۹-۳-۳

فصل چهارم: روش‌های موعظه قرآنی

۱۰۳ شیوه‌های موعظه در قرآن	۱-۴
۱۰۳ موعظه مستقیم و غیرمستقیم	۱-۱-۴
۱۰۴ موعظه فردی و جمعی	۲-۱-۴
۱۰۴ بهره‌گیری از داستان	۳-۱-۴
۱۰۸ تشویق و تهدید	۴-۱-۴
۱۰۹ توصیف بندگان همراه با موعظه و نصیحت	۵-۱-۴
۱۱۰ به کارگیری مثل و تمثیل	۶-۱-۴
۱۱۱ بهره‌گیری از ترسیم و تصویر	۷-۱-۴
۱۱۲ موعظه در قالب توصیف الگوها	۸-۱-۴

۱۱۳	۲-۴ اولویت قرآنی در روش نصیحت
۱۱۷	۱-۲-۴ حکمت قرآنی از دیدگاه ملاصدرا
۱۱۹	۳-۴ تفاوت حکمت و موعظه
۱۲۴	۴-۴ مقایسه روش موعظه با خطابه
۱۲۷	۵-۴ موعظه و انتقاد
۱۲۹	۶-۴ ذکرو تذکر
۱۳۲	۷-۴ آسیب شناسی روش تربیتی موعظه
۱۳۶	۸-۴ تفاوت بین امر به معروف و نهی از منکر با موعظه
۱۴۰	جمع بندی فصول
۱۴۱	نتیجه کلی
۱۴۵	پیشنهادات پژوهشی
۱۴۶	منابع

فصل اول

کلیات و مفاهیم

« إِنَّ هَذِهِ تَذَكْرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا »

بی تردید این قرآن (آیاتش) اندرزی است ، تا هرکس بخواهد به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد (المزمل-۱۹).

موعظه یکی از روش های عام و موثر در تربیت اسلامی است که به شهادت آیات قرآن، پیامبران الهی به فرمان خداوند ، در تبلیغ و هدایت مردم، از آن فراوان بهره برده اند. (قائمی مقدم، موعظه و نصیحت در قرآن، ۱۳۸۵، ص ۲۱۷-۲۷۵).

هرکس در هر مقامی که باشد محتاج شنیدن موعظه و نصیحت است زیرا : اگر نسبت به آنچه می شنود دانا باشد ، آن موعظه برایش تذکر و یادآوری است چون انسان فراموش کار و همیشه محتاج یادآوری می باشد . و اگر جاهل باشد اندرز برایش دانش و کسب معرفت است. از اینجاست که در قرآن مجید یکی از وظایف هر فرد مسلمان خیرخواهی برای هم نوع به روش موعظه است. و آن به این دلیل است: «... وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ » (العصر /۳).

تواصی از باب تفاعل است و به توصیه طرفینی و پذیرش آن توسط فرد اشاره دارد. یعنی همه افراد اولاً همدیگر را به حق سفارش کنند، و ثانیاً آن حق سفارش شده را بپذیرند. از نگاه المیزان، «تواصی بر حق عنوانی است وسیعتر از عنوان امر به معروف و نهی از منکر، چون امر به معروف و نهی از منکر شامل اعتقادات و مطلق ترغیب و تشویق بر عمل صالح نمیشود، ولی تواصی بر حق، هم شامل امر به معروف میشود و هم شامل عناوین مذکور» موسوی، محمد باقر، ترجمه المیزان، ۱۳۶۰ ج ۲۰، ص ۶۱۲).

بدون شک موعظه و نصیحت از روش های مهم و قابل توجه در تعلیم و تربیت می باشند. این دو روش از دیرباز مورد توجه اولیاء، مربیان و مبلغان بوده اند. در حقیقت موعظه و قبول نصیحت با فطرت آدمی سنخیت دارد. خداوند فطرت موعظه پذیری را در دل و جان انسان به ودیعه نهاده، و او را برای قبول تربیت آماده کرده است. موعظه پذیری و نصیحت پذیری نیاز ذاتی انسان می باشد، و کسی از آن بی نیاز نیست. ممکن است بسیاری از افراد صالح و پاک در شرایط و موقعیت های خاصی نیازمند به موعظه و نصیحت باشند بنابراین موعظه و نصیحت نقش اساسی در تربیت انسان دارد و در حکم دارویی است که بر جسم و جان آدمی تاثیر گذارده، و موجب هدایت و رشد انسان می شود.

امام علی (علیه السلام) نقش تربیتی موعظه را به گونه ی تعریف و توصیف می کند که به نظرمی رسد بر سایر شیوه های تربیتی برتری دارد، و آن را به نوری تشبیه می نماید که هنگام تابیدن بر نفس انسان به آن نورانیت و روشنایی می بخشد «المواعظ صقال النفوس، و جلاء القلوب». (آمدی، ۱۴۲۲ق، عبدالواحد، غررالحکم، شماره ۳۷۳) موعظه نفس انسان ها را صاف و نورانی می کند. خدای منان در مورد پیامبر اسلام به این مساله اشاره کرده است «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (الاحزاب/۲۱) به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا (ص) سرمشق نیکویی بود...

موعظه و نصیحت فطرت آدمی را بیدار می کند. باری تعالی در قرآن، و اعظ را، پیامبران، کتب آسمانی، داستان ها، حوادث تاریخی و همه مخلوقات خدا، معرفی کرده است و مخاطب مواعظ الهی، همه انسانها هستند. در این مطالعه کوششی است برای پاسخ به این پرسش که نصیحت ما تا چه اندازه مبنای قرآنی دارد؟

ما امیدواریم بتوانیم در این پژوهش به روش بررسی کتابخانه ای و شیوه اسنادی با الهام از آیات رتانی، موعظه، مبنای و ویژگیها و روشهای آن را بررسی کرده، حدود و قلمرو پند و نصیحت را از دیدگاه قرآن بشناسیم؛ شرایط پذیرش و یا موانع عدم قبول اندرز را در قرآن جستجو کنیم؛ ویژگی های هر یک از ارکان موعظه را با ذکر آیات مرتبط تبیین نماییم. در ادامه به مقایسه موعظه در روش تربیتی با حکمت و جدال و رابطه آنها با لغات مترادف

پرداخته شده است. انگیزه در این پژوهش، بازنگری به موعظه قرآنی، وزنده کردن سنت خیر خواهی بر مبنای دین خاتم، در ادامه تحقیقات پیشین، در زمینه این فرهنگ می باشد.

۱-۱ بیان مسئله

یکی از روش های تربیتی در حوزه معارف اسلامی موعظه است که در ارتباط بین فردی می تواند بسیار موثر و مهم باشد. موعظه های قرآنی با روشهای متفاوت متناسب با فطرت، برای بشریت به ارمغان آمده و بر همین عنایت و لطف، خداوند خود را موعظه گر: « **إِنَّ اللَّهَ نَعِيمًا يَعِظُكُمْ بِهِ...** » (النساء/۵۸) و قرآن مجید را کتاب موعظه « ... و **مَوْعِظَةً مِّن رَّبِّكُمْ...** » (یونس/۵۷) و به پیامبر اسلام (ص)، موعظه کردن دیگران را به روش خاص سفارش نموده است « **أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ** » (التحل/۱۲۵). موعظه دعوت به نیکی توأم با خیرخواهی است و می تواند افراد را برای رسیدن به اهداف انسانی و معرفت و کمال یاری کند .

طبق سفارش قرآن، نصیحتی که ثمر بخش در بیدار سازی فطرت است، حتما از قواعدی پیروی می کند. افرادی در جامعه همیشه این دغدغه را داشته اند که در چه شرایطی و با چه کلامی و روشی با افراد ارتباط کلامی سالم برقرار کنند تا از جامعه ای با فرهنگ غنی برخوردار شوند .

و این مستلزم سلامت روابط بین فردی و امنیت رابطه برای افراد جامعه در بعد شخصی و اجتماعی است. یک احساس قوی فرهنگ موعظه را جهت می دهد و آن حس نوع دوستی و خیر رسانی است. یک مومن متعهد، که در سایه دستورات قرآن و ائمه اطهار علیه السلام برنامه زندگی خود را تدوین نموده است رسیدگی به کارهای شخصی را سر لوحه برنامه خود قرار می دهد و از اعمال خود غلط گیری می نماید .

همچنین می توان انتظار داشت که مواظبت از روابط و مسئولیت های انسانی، عاطفی و اخلاقی نسبت به یکدیگر را اهمیت خاص بدهد. حس نوع دوستی او را وادار به خیرخواهی می کند، و به تبع این اندیشه، ذهنش او را بر ایجاد زمینه ای برای القاء یا انتقال این خیر مشغول می کند.

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده: «عَلَيْكَ بِالنَّصْحِ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ» (کلینی، اصول کافی، باب الالتهام الحدیث ۳)، بر تو باد که برای رضای خدا اندرز گو و خیر خواه خلق الله باشی که در وقت ملاقات با خدا عملی افضل و بالا تر از آن برای خود نخواهی یافت. این کلام مبارک می فهماند: ضمیر انسان برای تعلیم آمادگی دارد، پس سخن یا عمل من و شما به پختگی تمام نیاز دارد، تا اثر بخشی لازم را داشته باشد.

به نظر می رسد آنچه در اینجا اهمیت بیشتری دارد آن گونه از فرهنگ است که برای موعظه زمینه سازی می کند و ایجاد ارتباط مناسب را ممکن می نماید که همان پیوند عاطفی است و در «انتقاد» و «خطبه» شرط نشده است. بنابر این موثر ترین عامل زمینه ساز برای ثمر بخشی موعظه، «حفظ ارتباط» است.

انسان به طور فطری خوب و بد را می شناسد، (مثلاً ظالم محبوب نیست و مدد کار اجتماعی را شریف می شمارد). اما این فطرت ممکن است به تیرگی بگراید و قدرت تشخیص ضعیف شود.

اصل غفلت زدایی یکی از اصول مهم و عام در تربیت دینی و اخلاقی است و مبتنی بر مبانی اساسی، در مورد انسان است که به خاطر فطری بودن اصول اخلاقی، علمای تربیتی به آن توجه داشته اند؛ غفلت از ریشه غفل یعنی «پوشیده و مخفی» است. اینجاست که تدبیر در کلمه قرآنی «هذا بیان» جایگاه خود را پیدا می کند. (ابن منظور، ۱۴۱۱ق، ۴۹/۱۱) موعظه غبار نشسته بر چهره فطرت را می زداید.

۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

رضای خدا، اصلاح جامعه و بازنگری در اهمیت نقش اجتماعی افراد در قبال هم است. اگر مردم در حالی که از نیاز روحی و عاطفی اطرافیان آگاهند، بی تفاوت گذر کنند و رسیدگی به همدیگر را دریغ نمایند؛ اگر از هر پیشرفت علمی بشر از قبیل فیزیک، اتم، نانو و یا علوم طبیعی رویان، پیوند اعضا، فضا، اکتشافات فضا و غیره صحبت کنند، جای یک معرفت خیلی خالی است و آن « چگونگی رفع نیازمندی عاطفی بر اساس موعظه » می باشد که با برقراری پیوند سالم در رفتار و حفظ روحیه خیرخواهی همراه است .

این معرفت در جهت تامین مأوای آرامش بخش که با رشد و تکمیل صفات و خلیات همراه باشد، برای بشر امروز از ضروریات است.

این نیاز و نقص اگرچه می تواند با تلاش فکری و به پشتوانه توشه فکری اصلاح شود، اما بدون استمداد از منبع الهی و فرا انسانی که فارغ از محدودیت های ذهنی و احساسی است و برای کلیت زندگی و گسترده تجلیات فکری و روانی انسان ها طرح و برنامه داشته غیر ممکن و یا کم بهره است.

به همین منظور بشر به دلیل نداشتن روش های صحیح ارتباط موثر در انتقال مفاهیم خود دچار مشکل شده است. نیاز است «نوع دوستی» در جان ما دوباره زنده شود، انسان دوستی دینی از نوعی محبت پاک و بی پیرایه الهی نشأت میگیرد: « وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ » (۳۳/فصلت) «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا سَيِّئُهُ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (۳۴/فصلت) ای پیامبر، و کیست نیکو گفتارتر از کسی که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و بگوید من (در برابر خدا) از تسلیم شدگانم، خوی نیکو در تاثیر گذاری با خوی زشت برابر نیست، پس با نیکو ترین خصلت بدیهای آنها را دفع کن که ناگاه آن کسی میان تو و او دشمنی است گویی دوستی دلسوز است».

اگر آموزه های اسلامی به دلایل متفاوت پیشینه و حضور نتوانسته پاسخگوی این نیاز باشد به دلیل واعظان و مبلغان کم توان بوده است و برای جبران این کمبود در فرهنگ آسیب دیده بهتر است رجوع دوباره به روش اصلاحی